

Examining the Accountants' Knowledge and Understanding of Islamic Accounting Using Second-Order Confirmatory Factor Analysis Technique

Zoherh Hajiha*
Hossein Rajabdoori**

Received: 17/03/2018

Accepted: 16/02/2019

Abstract

Islamic accounting is an information system that deals with reporting the value aspect of financial and non-financial events occurring in the economic unit with a focus on Islamic criteria. The aim of this study is to evaluate the knowledge and understanding of accountants of the Islamic accounting using second-order confirmatory factor analysis technique (SOCFA). The study ahead is a quantitative one, and the required data was collected through questionnaires and simple random sampling of 114 academic and professional activists to test the model, and SOCFA was used with Lisrel software. The results showed that all of the factors of the model including perceived value, attitude, subjective norms, and willingness have a good fit, and the perceived value, subjective norms, attitude, and willingness have the highest fitness respectively. Moreover, the comparison of factor loadings of all factors showed that the "fulfilling the financial needs of Muslims" of "perceived value" variable has the highest factor loadings. As a result, it can be understood that to spread Islamic accounting, while considering all the factors mentioned above, managers and planners should set fulfilling the financial needs of Muslims as their first priority.

Keywords

Islamic Accounting, Islamic Accounting Model, SOCFA.
JEL Code Classification: E01, M10, M19.

* Associate Professor, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University, East Tehran Branch, Tehran, Iran. drzhajiha@gmail.com

** Member of Young Researchers and Elite Club, and Ph.D Student of Accounting and Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran (Corresponding Author). hsrado@gmail.com

بررسی میزان آگاهی و ادراک حسابداران از حسابداری اسلامی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

زهرة حاجیها*

حسین رجب‌دُری**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۲ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

حسابداری اسلامی، یک سیستم اطلاعاتی است که به گزارش بُعد ارزشی رویدادهای مالی و غیرمالی رخ داده در واحد اقتصادی با محوریت موازین اسلامی می‌پردازد. هدف این مطالعه بررسی میزان آگاهی و ادراک حسابداران از حسابداری اسلامی با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم است. مطالعه پیش‌رو از نوع پژوهش‌های کمی است و داده‌های لازم جهت آزمون الگو از طریق جمع‌آوری پرسشنامه و نمونه‌گیری تصادفی ساده از ۱۱۴ نفر از فعالان دانشگاهی و حرفه‌ای صورت گرفت و از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم توسط نرم‌افزار Lisrel استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که کلیه عوامل الگو شامل ارزش ادراک‌شده، نگرش، هنجارهای ذهنی و تمایل، دارای وضعیت مناسب بوده و به ترتیب ارزش ادراک‌شده، هنجارهای ذهنی، نگرش و تمایل دارای بیشترین میزان برازش هستند. همچنین مقایسه بار عاملی کلیه عوامل مورد بررسی نشان داد که مؤلفه «تحقق نیازهای مالی مسلمانان» از متغیر «ارزش ادراک‌شده» دارای بیشترین بار عاملی است. در نتیجه می‌توان دریافت که برای گسترش حسابداری اسلامی ضمن توجه به همه عوامل ذکر شده، مدیران و برنامه‌ریزان باید اولین اولویت خود را تحقق نیازهای مالی مسلمانان قرار دهند.

واژگان کلیدی

حسابداری اسلامی، الگوی حسابداری اسلامی، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم.

طبقه‌بندی JEL: E01, M10, M19

* دانشیار گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران drzhajiha@gmail.com

** عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان و دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول) hosrado@gmail.com

مقدمه

در بررسی حسابداری اسلامی این سؤال مطرح می‌گردد که آیا حسابداری مرسوم در سطح بین‌الملل با موازین اسلامی و شرعی مطابق است؟ که با مطالعه ادبیات مربوط به آن، می‌توان تفاوت‌های فاحشی را مشاهده کرد، زیرا زیربنای اقتصاد اسلامی به‌گونه کاملاً متفاوت از اقتصاد غربی است. سیستم اقتصاد غربی بر پایه اصول حاکمیت فرد و حقوق مالکیت خصوصی استوار شده است، در حالی که اقتصاد اسلامی بر مبنای اصول مالکیت چندگانه است. در جامعه سرمایه‌گرایی مالکیت عمومی تنها زمانی به رسمیت شناخته می‌شود که ضرورت اجتماعی داشته باشد، اما قانون اسلام مالکیت فردی، دولتی و عمومی را پیرو این اصل که همه چیز متعلق به خداوند است و تمامی این اموال در دست انسان امانتی است که باید در مقابل آن پاسخ‌گو باشد، به رسمیت می‌شناسد. همچنین این‌گونه استدلال می‌شود که حسابداری مرسوم بر پایه جهان‌بینی فلسفی و عقلانیت اقتصادی استوار است که شامل مبانی فردگرایی، نفع شخصی، بقای شایسته‌ترین‌ها و حداکثرسازی سود است. در حالی که جهان‌بینی اسلامی بر مبنای یگانگی خداوند و دربرگیرنده منافع اجتماعی، انصاف، عدالت و سودمنطقی است (پورحیدری، ۱۳۸۳، ص. ۵۶). لذا تفاوت‌های فاحشی بین سیستم اقتصادی اسلامی و غربی و در نتیجه حسابداری اسلامی و غربی که در سطح بین‌الملل مرسوم است، وجود دارد. در این میان وظیفه پژوهشگران مسلمان بررسی ابعاد مختلف و مؤثر در زمینه حسابداری اسلامی است تا با شناسایی آن، متغیرهای مؤثر بر آن بیشتر شناسایی شده و در نهایت بتوان الگوی جامعی را طراحی نمود.

یکی از جنبه‌های موردبررسی در حسابداری اسلامی رفتار استفاده‌کنندگان است. سطح آگاهی و درک استفاده‌کنندگان در میان نگرانی‌های اصلی برای ارائه‌دهندگان محصولات و خدمات در هر بخش از اقتصاد هر کشور است. صنعت مالی اسلامی نیز از این موضوع مستثنا نیست و برای درک رفتار استفاده‌کنندگان نیاز به بررسی نگرش و رفتار آنان دارد. علاوه بر این، درک تغییرها در رفتار استفاده‌کنندگان برای ارائه‌دهنده‌های مناسب در کسب برای هر مؤسسه مالی در شرایط رقابتی در بازار ضروری است (Sabirzyanov, 2016, p. 112). لذا هدف اصلی پژوهش بررسی ادراک و دیدگاه

حسابداران در رابطه با مالی اسلامی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم است. دلیل اهمیت و ضرورت پژوهش را می‌توان این موضوع دانست که برای برنامه‌ریزی‌های بعدی، باید میزان اهمیت هر عامل براساس دیدگاه استفاده‌کنندگان و به‌خصوص حسابداران که در این زمینه دارای تخصص هستند، روشن شود تا با اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی مناسب به نتیجه مطلوب رسید. افزون بر آن، رشد مالی اسلامی و حسابداری اسلامی می‌تواند حقانیت و چهره اصلی اسلام را برای دنیا روشن سازد تا این تصور که مسلمانان تهدید برای جهان محسوب می‌شوند را برطرف سازد (Omar & Mehboob, 2016, p. 85). در ادامه، ابتدا مبانی نظری حسابداری اسلامی بیان شده و سپس پیشینه داخلی و خارجی مرتبط با موضوع آورده شده است. پس از آن نیز روش پژوهش و یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود. در انتها نیز بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها پژوهش آورده شده است.

۱. حسابداری اسلامی

تاریخچه حسابداری اسلامی به ظهور اسلام در سال ۶۱۰ میلادی (۸۰۰ سال قبل از آن که پاجیولی^۱ کتاب خود را که مبنای حسابداری است منتشر کند) برمی‌گردد. بعد از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان و تشکیل دولت اسلامی و بیت‌المال، سیستم حسابداری یا کتابت پی‌ریزی شد. به‌نحوی که برخی از اصحاب، مسئول رسیدگی به امور مالی بوده‌اند (دیانتی‌دیلمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۶).

همچنین، در دهه ۱۹۷۰ مؤسسات مالی اسلامی با هدف توجه بیشتر به آموزه‌های اسلامی در کشورهای جنوب شرقی آسیا، نظیر مالزی و شمال آفریقا، نظیر مصر شکل گرفتند. در این دهه، برای حسابداری در این مؤسسات و نهادها از ادبیات نوینی با عنوان «حسابداری اسلامی» نام برده شد و هم‌زمان رویه‌های حسابداری اسلامی نظیر ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و حفظ محیط‌زیست توسط مؤسسات مالی اسلامی مورد استفاده قرار گرفت (کلماتیان و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۷). به موازات رشد مؤسسه‌های مالی اسلامی، هافستد^۲ نیز به این نتیجه رسید که در جوامع اسلامی، مذهب به‌صورت عمده در عملیات حسابداری تأثیرگذار است و برای جوامع اسلامی مدل

خاص حسابداری نیاز است (Suleiman, 2012, p. 116). در این زمینه نیاز به توسعه استانداردهای حسابداری اسلامی و مطابقت آن با گزارشگری مالی اسلامی یک موضوع مهم در جهان اسلام است (Vinnicombe, 2010, p. 55).

گالوفر^۳ (۲۰۰۴) معتقد است که حسابداری دارای پتانسیلی رهایی بخش بوده و می‌تواند در ریشه‌کن کردن فقر و پیشبرد عدالت اجتماعی در جامعه نقش مهمی ایفا نماید. (حاجیها و شبانی، ۱۳۹۱، ص. ۶۶).

دانش در اسلام نیز می‌تواند انگیزه قابل توجه مسلمانان و غیرمسلمانان و حسابداران امروز برای افشای جنبه‌های سرکوب‌گرانه و عواقب ناشی از سرمایه‌داری در جوامع مختلف را به ارمغان آورده و در پروژه حسابداری اسلامی در مورد عواقب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سرمایه‌داری قرار بگیرد (Maali et al, 2006, p. 266).

حسابداری اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک فرایند حسابداری که اطلاعات مناسب (و نه ضرورتاً محدود به داده‌های مالی) را برای ذی‌نفعان یک واحد تجاری فراهم می‌کند تا آنها بتوانند از اینکه واحد تجاری همواره در محدوده قلمرو شریعت اسلامی فعالیت کرده و به هدف‌های اقتصادی-اجتماعی خود دست می‌یابد، اطمینان یابد. همچنین، حسابداری اسلامی ابزاری جهت قادر ساختن مسلمانان به ارزیابی میزان پاسخ‌گویی‌های خود در برابر خداوند است (نون‌هال‌نهر، ۱۳۸۸، ص. ۷۱).

از سوی دیگر براساس نظر حمید^۴ (۲۰۰۰) جهان‌بینی و ارزش‌های مختلف، سیستم‌های اقتصادی متفاوتی را طلب می‌کند که سیستم‌های اقتصادی متفاوت، به‌نوبه خود سیستم حسابداری خاص خود را نیاز دارد؛ بنابراین، از آنجا که وجود نظام اقتصادی مشخصی به نام نظام اقتصاد اسلامی، اثبات شده است، در این راستا موضوعی به نام حسابداری اسلامی که همانا توجه به رویکرد اسلامی در حسابداری است، مطرح می‌شود، زیرا بنای اقتصاد اسلامی از اقتصاد غربی متفاوت است (پورحیدری، ۱۳۸۳، ص. ۶۱) و ارزش‌های جهان‌بینی غربی در اصول و رویه‌های حسابداری انعکاس یافته است (غلامی‌جمکرانی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۶۵). می‌توان دریافت که حسابداری اسلامی یک سیستم اطلاعاتی است که به گزارش بعد ارزشی رویدادهای مالی و

غیرمالی رخ داده در واحد اقتصادی با محوریت موازین اسلامی می‌پردازد (دیانتی دیلمی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۵).

موضوع مهم دیگری که باید به آن اشاره شود استفاده‌کنندگان از خدمات مالی اسلامی هستند و باید نسبت به آن رضایت داشته باشند تا بتوان با افزایش میزان رضایت‌مندی آنان گستره این صنعت را افزایش دهند، از این‌رو توجه به‌نظر استفاده‌کنندگان ضرورت دارد. این مورد توسط سایبیرزیانو^۵ (۲۰۱۶) در الگویی چهاربعدی موردبررسی قرار گرفته است. این الگو مبتنی بر چهار ویژگی کلی و اصلی است که شامل ۱- ارزش ادراک‌شده، ۲- نگرش، ۳- هنجارهای ذهنی و ۴- تمایل است. در این الگو ارزش ادراک‌شده اشاره به ارزش‌های ایجادشده برای استفاده‌کنندگان و نیازهای مرتبط با آنان دارد. نگرش نیز به دیدگاه استفاده‌کنندگان نسبت به سهولت و کیفیت محصولات و خدمات مالی اسلامی اشاره دارد. همچنین، هنجار ذهنی مواردی است که فرد را به استفاده از خدمات مالی اسلامی وادار می‌نماید. تمایل نیز به میزان علاقه‌مندی فرد به خدمات مالی اسلامی اشاره دارد (Sabirziano, 2016, p. 121).

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی مباحث حسابداری اسلامی و موضوع‌های مرتبط با آن تاکنون به‌خصوص در ایران پژوهش‌های زیادی صورت نگرفته است که در ادامه به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

دیانتی دیلمی و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی ضرورت حسابداری اسلامی؛ از دیدگاه خبرگان دانشگاهی» دریافتند که استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری در ایران علاقه‌مند به افشای اطلاعات در زمینه‌های مختلفی مانند رعایت موازین شرعی، عدم‌وقوع تقلب مالی، رعایت الزامات مبارزه با پول‌شویی، رعایت حقوق کارگران و کارمندان، توجه به رعایت حقوق مصرف‌کنندگان، حفظ الزامات توجه به محیط‌زیست، توجه به بهره‌وری، تعالی و پیشرفت، عدم‌اسراف و توجه به کیفیت محصول هستند و این اطلاعات می‌تواند برای استفاده‌کنندگان مفید باشد.

مهرانی و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل حسابداری اسلامی؛ با تأکید بر مبانی فقهی و چالش‌های بنیادی» لزوم تشکیل کمیته فقهی در سازمان حسابرسی و نیز اقدام فراملی در راستای حل چالش‌های حسابداری اسلامی را پیشنهاد نمودند.

گوران‌حیدری و همت‌فر (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «حسابداری مدیریت اسلامی» دریافتند که از وظایف مهم حسابداری مدیریت اسلامی، ارائه اطلاعات منطبق بر دستورات اسلام به مدیریت جهت تسهیل و تضمین تصمیم‌گیری صحیح و همچنین گزارش کردن و سنجش میزان مباشرت مدیریت و کنترل و بررسی این مباشرت در قیاس با معیارهای الهی است.

کلماطیان و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل حسابداری متناسب با سبک زندگی اسلامی با استفاده از تکنیک دلفی» با انجام مطالعات نظری با استفاده از روش دلفی و کسب نظر از ۱۵ فرد صاحب‌نظر، نارسایی‌های نظام حسابداری رایج را شناسایی و مدلی برای حسابداری متناسب با سبک زندگی اسلامی ارائه نموده‌اند که به ترتیب اولویت عبارتند از: ۱- توزیع عادلانه ثروت، ۲- گسترش رفاه و عدالت اجتماعی، ۳- ارتقاء سطح پاسخ‌گویی به‌ویژه پاسخ‌گویی دینی، ۴- توجه به ذی‌نفعان و حقوق اقلیت سهامدار، ۵- شفافیت و افشای کامل، ۶- توجه به مسئولیت‌های اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست ۷- گسترش امنیت اقتصادی و آرامش اجتماعی، ۸- گسترش حاکمیت شرکتی، ۹- ارائه گزارش‌های غیرمالی در کنار گزارش‌های مالی، ۱۰- سودمندی برای تصمیم‌گیری، ۱۱- محاسبه سودمشروع و متناسب با تلاش و ۱۲- ارتقاء نظم و انضباط مالی.

محقق‌نیا و ناصری (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «اخلاق حسابداری با تأکید بر دیدگاه اسلامی» دریافتند که نهادینه شدن اخلاق اسلامی در برنامه‌های آموزشی حسابداری می‌تواند با توجه به آموزه‌های اسلامی منجر به تأمین نیاز جامعه در تربیت حسابداران حرفه‌ای اسلامی و حل مسائل پیچیده اخلاقی توسط آنها شود. در نتیجه آموزش اخلاق حسابداری را ضروری دانستند.

حاجیها و شبانی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «تفکر خلاق و انتقادی در حسابداری اسلامی» به بررسی تفاوت‌های اساسی در مبانی حسابداری اسلامی با حسابداری غربی پرداخته و دریافته‌اند که با توجه به وجود مبانی فکری مذهبی متفاوت در اقتصاد غربی در مقایسه با اقتصاد اسلامی و پتانسیل رهایی‌بخش اسلام، برای کمک به توسعه برنامه‌های مکتب حسابداری توجه به تأثیر اسلام امری انکارناپذیر است.

عصری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «اجرای احکام اسلامی؛ محرکی قابل در فرآیند پیاده‌سازی حسابداری اسلامی در ایران» دریافت که حسابداری همواره متأثر از محیط زندگی خود است و همراه با تغییرات محیط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست‌خوش تغییر گشته است و برای دوام و بقا انعطاف‌پذیری خاصی از خود نشان داده است؛ بنابراین در ایران نظر به اینکه تمامی قوانین آن باید بر پایه احکام اسلامی تدوین گردد، اجرای عملیات حسابداری آن نیز باید بر مبنای شریعت اسلامی باشد.

نجفی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «دکترین ملی حسابداری جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۴ هجری شمسی» بیان می‌کند که حسابداران مسلمان در جوامع اسلامی باید برای دستیابی به یک مدل بومی از حسابداری متناسب با فرهنگ جامعه اسلامی تلاش نمایند.

در این زمینه پژوهش‌های خارجی نیز مشاهده می‌شود. برای نمونه، یافته‌های پژوهش عدنان و گافی‌کین^۶ (۱۹۹۷) نشان داد که هدف اصلی اطلاعات حسابداری اسلامی، ارائه اطلاعات برای ایفای تعهد پاسخ‌گویی به خداوند است.

سایب‌زیانو (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «محصولات و خدمات مالی اسلامی حمایت‌کننده از رفتار در تاتارستان: نقش ارزش‌های ادراک شده و آگاهی» به بررسی رفتار شهروندان بخشی از کشور روسیه در مورد حسابداری اسلامی پرداخت و دریافت که میزان آگاهی افراد اثر مثبتی بر درک آنها از حسابدار اسلامی دارد.

سلطانا^۷ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «سهام سیستم حسابداری اسلامی در مؤسسه‌های بازرگانی» به تعیین اهداف حسابداری اسلامی در اقتصاد حال حاضر جهان پرداخت. این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا سیستم حسابداری

اسلامی به‌عنوان یک سیستم حسابداری موفق و اثبات شده برای همه سازمان‌ها قابل اجرا است؟ همچنین، تمایز اصلی بین ارزش‌های اساسی حسابداری اسلامی و حسابداری مرسوم را نیز روشن می‌کند.

ولایتها^۸ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «حسابداری متعارف در مقابل حسابداری اسلامی» به بررسی سازگاری استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی^۹ و مالی اسلامی در خصوص استفاده از نرخ بهره و نرخ تنزیل پرداخت. وی دریافت که باور به ناسازگاری در این زمینه را می‌توان از تصورات غلط در مورد «حسابداری سنتی» دانست. همچنین دریافت که توجه به حسابداری اسلامی در کشورهای اسلامی، می‌تواند به رفع نیازهای کاربران و کاهش وابستگی اقتصادی کمک کند.

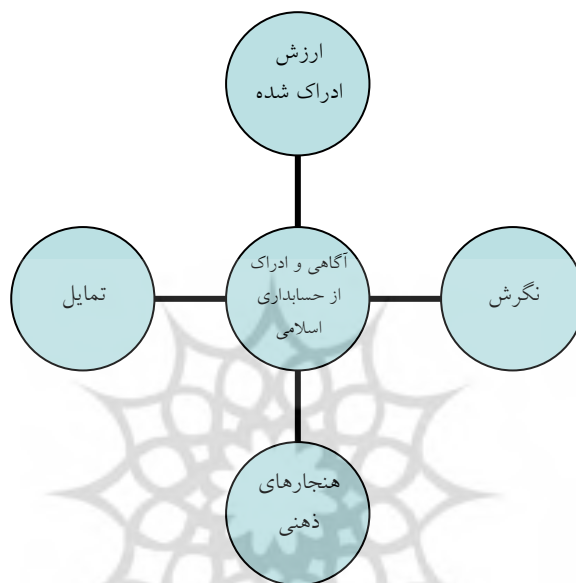
پژوهش مالی و ناپیر^{۱۰} (۲۰۰۶) را می‌توان از پژوهش‌های خاص در حوزه گزارشگری مالی بانکداری اسلامی دانست. یافته‌های این مطالعه نشان داد که توجه به مسائل اجتماعی، دغدغه عمده بانک‌های اسلامی محسوب نمی‌شود و انتشار گزارش هیأت نظارت شرعی نیز حاکی از توجه بانک‌های اسلامی به جلب اطمینان مشتریان و کاربران از صورت‌های مالی نسبت به پیروی بانک از اصول اسلامی است.

حمید^{۱۱} (۲۰۰۰) پژوهشی با عنوان «نیاز به حسابداری اسلامی: درک اهداف و خصوصیات آن توسط حسابداران و دانشگاهیان مالزی» در رابطه با برداشت پاسخ‌دهندگان در مورد اهداف و ویژگی‌های حسابداری اسلامی انجام داده است. یافته‌های این پژوهش گرایش مثبت حسابداران مسلمان را به ارزش‌های اسلامی در حوزه حسابداری نشان می‌دهد.

بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه حسابداری اسلامی، نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌هایی در این زمینه انجام گرفته و به نتیجه‌های مفیدی نیز انجامیده، اما تاکنون پژوهشی در رابطه با بررسی دیدگاه افراد و به‌خصوص حسابداران در رابطه با درک اهمیت ابعاد مؤثر در حسابداری اسلامی صورت نگرفته است. در این پژوهش با توجه عدم ورود پژوهشگران به موضوع ذکرشده، تلاش می‌شود که با استفاده از الگوی برگرفته از پژوهش سابیرزبانو (۲۰۱۶) موضوع موردنظر بررسی شود.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ هدف کاربردی و از حیث گردآوری داده‌ها نیز توصیفی و مبتنی بر الگو است که از الگوی سابیرزیانو (۲۰۱۶) استفاده شد.



نمودار (۱): اجزای الگوی ابعاد مؤثر بر ادراک و آگاهی استفاده‌کنندگان از حسابداری اسلامی
منبع: Sabirziano, 2016, p. 114

۳-۱. جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش موردنظر کلیه فعالان حرفه‌ای و دانشگاهی حسابداری و سایر رشته‌های وابسته (حسابرسی، حسابداری مدیریت، حسابدار مالی، حسابدار مالیاتی و...) است. با توجه به اینکه دسترسی به کل افراد ذکرشده با پراکندگی‌های مختلف، سخت و تا حدودی غیرممکن است و آمار رسمی از تعداد آنها نیز وجود ندارد، تعداد جامعه آماری نامشخص فرض شد؛ بنابراین، برای محاسبه حجم نمونه در جامعه نامشخص از رابطه (۲) استفاده شد. δ انحراف معیار برای داده‌های طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از رابطه

(۱) برابر با ۰/۶۶۷ است (مؤمنی و فعال‌قیومی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۹). با توجه به روابط ذیل حجم نمونه حدود ۱۷۰ نفر به دست می‌آید.

$$\delta = \frac{\max(x_i) - \min(x_i)}{6} = \frac{5-1}{6} = 0.667 \quad \text{رابطه (۱):}$$

$$n = \frac{z_{\alpha/2}^2 \delta^2}{\varepsilon^2} = \frac{(1.96)^2 (0.667)^2}{(0.1)^2} = 170 \quad \text{رابطه (۲):}$$

۲-۳. جمع‌آوری داده‌ها

برای بررسی روایی پرسشنامه از نظرهای کارشناسی استادان دانشگاهی و صاحب‌نظران مختلف و برای بررسی پایایی از روش آلفای کرونباخ^{۱۲} استفاده شد. روایی توسط صاحب‌نظران مختلف تأیید و نتیجه بررسی ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS^{۱۳} نسخه ۲۲ نیز معادل ۰/۷۶ است که با توجه به اینکه رقم حاصل از آلفای کرونباخ در سطح بالایی قرار دارد، پایایی پرسشنامه پژوهش تأیید شد.

جمع‌آوری اطلاعات مربوط به دو شیوه حضوری و مجازی صورت گرفت. در شیوه حضوری با مراجعه به استادان دانشگاه، دانشجویان و فعالان حسابداری در دسترس ۲۱ پرسشنامه تکمیل شد که همه آنها قابل استفاده بود. در شیوه مجازی نیز پس از طراحی پرسشنامه در محیط فرم نگار گوگل^{۱۴}، دعوت‌نامه تکمیل و برای افراد ذکر شده ارسال و همچنین، از آنها درخواست شد تا جهت پاسخ‌گویی دقیق‌تر آن را به سایر استادان، دانشجویان و فعالان حرفه‌ای حسابداری ارسال نمایند که در این شیوه نیز پس از دو مرحله ارسال درخواست، ۹۳ پرسشنامه قابل استفاده دریافت شد و لذا در مجموع تعداد ۱۱۴ پرسشنامه جمع‌آوری شد. با توجه به پرسشنامه‌های جمع‌آوری شد می‌توان بیان داشت که حدود ۶۷ درصد از حجم موردنظر پوشش داده شده و رقم قابل قبولی است.

۳-۳. تعریف تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

در این مطالعه، با پیروی از ابعاد مؤثر بر ادراک و آگاهی استفاده‌کنندگان از حسابداری اسلامی سایبرزبانو (۲۰۱۶) برای بررسی موضوع از تحلیل عاملی مرتبه دوم^{۱۵} استفاده شد. هدف تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم، آزمون فرضیه‌ها در زمینه تعداد عوامل

زیربنایی موجود در مجموعه‌ای از متغیرها، روابط عامل‌ها با نشانگرها و برازش مدل اندازه‌گیری است، اما برخلاف تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول زمانی به کار می‌رود که عوامل مکنون موجود در یک مجموعه از متغیرها دارای چند سطح باشند، به طوری که عامل‌های مکنون خود ناشی از عوامل مکنون دیگر باشند؛ بنابراین جهت اطمینان از اینکه داده‌ها درست اندازه‌گیری شده‌اند، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده می‌شود. قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. بار عاملی مقداری بین صفر و یک است؛ که اگر کمتر از ۰/۲ باشد رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف نظر می‌شود. بار عاملی بین ۰/۲ تا ۰/۶ قابل قبول است و اگر بزرگتر از ۰/۶ باشد، بسیار مطلوب است (مخلص‌ی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۹۵۹). حداقل بار عاملی قابل قبول در برخی منابع و مراجع ۰/۲ نیز ذکر شده است، اما معیار اصلی برای قضاوت آماره t است. چنانچه آماره آزمون یعنی آماره t بزرگتر از مقدار بحرانی $t_{0.05}$ یعنی ۱/۹۶ باشد، بار عاملی مشاهده شده معنادار است (مخلص‌ی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۹۵۹).

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی

میانگین سن پاسخ‌دهندگان ۳۶/۲۹ سال با انحراف معیار ۸/۱۴ و میانگین سابقه کار پاسخ‌دهندگان ۱۸/۵۲ سال با انحراف معیار ۷/۲۷ است. از پاسخ‌دهندگان ۳۱ نفر زن و ۸۳ نفر مرد بوده‌اند. همچنین ۱۱ نفر دارای مدرک دکتری، ۱۴ نفر دانشجوی دکتری و ۲۸ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۳۲ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و ۲۹ نفر دارای مدرک کارشناسی بوده‌اند. اطلاعات جمعیت‌شناختی نشان می‌دهند که جامعه آماری این مطالعه از شرایط مناسبی برخوردار بوده و واجد شرایط مناسب پاسخ‌گویی بوده‌اند. در نتیجه، یافته‌ها تا آنجایی که به ویژگی جامعه‌شناختی ارتباط پیدا می‌کند، دارای ویژگی کیفی لازم، از جمله در زمینه روایی داخلی پژوهش است.

۲-۴. تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش

نتایج تحلیل عاملی پژوهش در نمودار (۲) ارائه شده است. برای سنجش بررسی میزان آگاهی و ادراک حسابداران از حسابداری اسلامی از ۴ عامل اصلی (متغیر پنهان) و ۱۳ پرسش (متغیر قابل مشاهده) استفاده شد. هر یک از این متغیرها با اندیس Q_1 تا Q_{13} نمایش داده شده است. بار عاملی مشاهده در تمامی موارد مقداری بزرگتر از ۰/۳ است که نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرهای پنهان (ابعاد هر یک از سازه‌های اصلی) با متغیرهای قابل مشاهده، قابل قبول است. پس از اینکه همبستگی متغیرها شناسایی شد، آزمون معناداری صورت گرفت.

جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها، از آماره t-value استفاده شد. چون معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بررسی می‌شود، اگر آماره آزمون t-value از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر باشد، رابطه معنادار است. براساس یافته‌های نمودار (۳)، مقدار آماره t-value شاخص‌های سنجش هر یک از مقیاس‌های مورداستفاده در سطح اطمینان ۵٪ بزرگتر از ۱/۹۶ است که می‌توان دریافت همبستگی‌های مشاهده‌شده معنادار است.

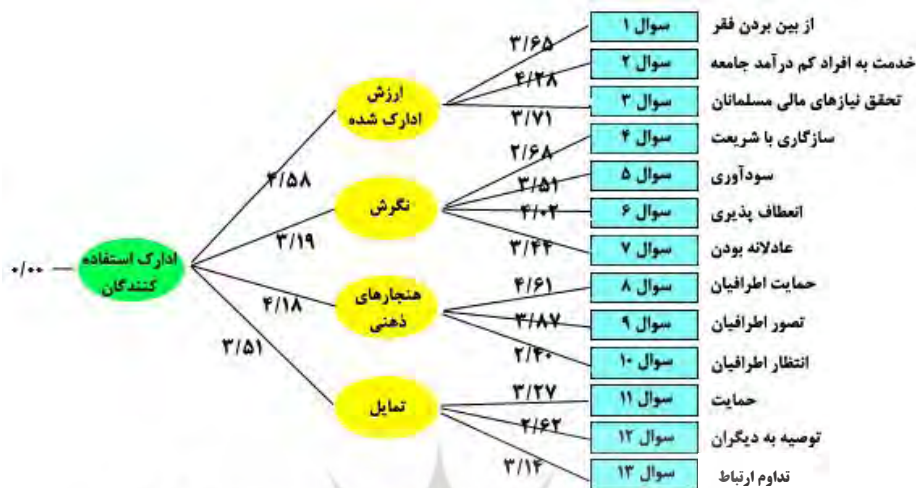


Chi-Square= 117.61- df= 108- P-value= 0.00000 - RMSEA= 0.028

نمودار (۲): بار عاملی استاندارد آزمون ابعاد مؤثر بر ادراک و

آگاهی استفاده‌کنندگان از حسابداری اسلامی

منبع: یافته‌های تحقیق



Chi-Square= 117.61- df= 108- P-value= 0.00000 - RMSEA= 0.028

نمودار (۳): آماره T-value آزمون ابعاد مؤثر بر ادراک و

آگاهی استفاده کنندگان از حسابداری اسلامی

منبع: یافته‌های تحقیق

گام بعدی بررسی نیکویی وضعیت مدل است. بدین معنا که تخمین زده شده چه میزان با مشاهدات واقعی تطابق دارد. یکی از شاخص‌های عمومی برای تعیین پارامترهای آزاد در محاسبه شاخص‌های برازش شاخص کای دو بهنجار است که از تقسیم ساده کای دو بر درجه آزادی مدل محاسبه می‌شود. چنانچه این مقدار بین ۱ تا ۵ باشد، این شاخص مطلوب است (قاسمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۲). در این پژوهش کای دو بهنجار برابر با ۱/۰۸۸ بوده و لذا نتیجه مطلوب است. همچنین، شاخص RMSEA در بیشتر تحلیل‌های عاملی تأییدی و مدل‌های معادلات ساختاری به‌عنوان یک شاخص برازش اصلی استفاده می‌شود. اگر این شاخص کوچکتر از ۰/۰۵ باشد نتیجه مطلوب است. در مدل حاضر این شاخص برابر با ۰/۰۲۸ است که نشان می‌دهد برازش مدل نیز مطلوب است.

۳-۴. تعیین اولویت و بار عاملی اجزای الگو

جدول (۱) اولویت کلیه متغیرهای مورد بررسی را به ترتیب برحسب بار عاملی نشان می‌دهد. طبق این جدول مؤلفه «تحقق نیازهای مالی مسلمانان» که جزو متغیر «ارزش

ادراک شده» است، دارای بیشترین بار عاملی در میان همه مؤلفه‌ها است. در نتیجه، می‌توان دریافت که این متغیر، از دیدگاه پاسخ‌دهندگان دارای بیشترین میزان اهمیت بوده است. در نتیجه مدیران و برنامه‌ریزان باید اهداف خود در راستای گسترش حسابداری اسلامی را بر مبنای تحقق نیازهای مسلمانان قرار دهند و به آن توجه ویژه نمایند.

جدول (۱): اولویت متغیرهای مؤثر بر ادراک و آگاهی استفاده‌کنندگان از حسابداری اسلامی

اولویت	مؤلفه	بار عاملی	متغیر
۱	تحقق نیازهای مالی مسلمانان	۰/۷۶	ارزش ادراک شده
۲	تداوم ارتباط	۰/۷۳	تمایل
۳	عدالانه بودن	۰/۷۲	نگرش
۴	از بین بردن فقر	۰/۷۰	ارزش ادراک شده
۵	سازگاری با شریعت	۰/۶۷	نگرش
۶	خدمت به افراد کم‌درآمد جامعه	۰/۶۳	ارزش ادراک شده
۷	توصیه به دیگران	۰/۶۰	تمایل
۸	انتظار اطرافیان	۰/۵۸	هنجارهای ذهنی
۹	سودآوری	۰/۵۴	نگرش
۱۰	حمایت اطرافیان	۰/۵۲	هنجارهای ذهنی
۱۱	تصور اطرافیان	۰/۴۵	هنجارهای ذهنی
۱۲	انعطاف‌پذیری	۰/۴۳	نگرش
۱۳	حمایت	۰/۴۱	تمایل

منبع: یافته‌های تحقیق

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی ابعاد مؤثر بر ادراک و آگاهی استفاده‌کنندگان از حسابداری اسلامی به گونه کمی بود. در این راستا، از ابعاد مطرح شده توسط سایبیریانو (۲۰۱۶) استفاده شد و میزان برآزش و بار عاملی هر مؤلفه آن با استفاده از «تکنیک تحلیل عاملی مرتبه دوم» تعیین شد. جامعه پژوهش موردنظر کلیه فعالان

حرفه‌ای و دانشگاهی حسابداری و سایر رشته‌های وابسته (حسابرسی، حسابداری مدیریت، حسابدار مالی، حسابدار مالیاتی و...) است. با توجه به اینکه دسترسی به کل افراد ذکر شده با پراکندگی‌های مختلف، سخت و تا حدودی غیرممکن است و آمار رسمی از تعداد آنها نیز وجود ندارد، تعداد جامعه آماری نامشخص فرض شد و به‌صورت تصادفی از ۱۱۴ نفر از آنان نظرخواهی شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان ادراک و آگاهی افراد در استفاده آنان از حسابداری اسلامی مؤثر است و همه ابعاد موردبررسی دارای برازش مناسب هستند. بررسی سازه‌های الگو نشان می‌دهد که عوامل ارزش ادراک شده، هنجارهای ذهنی، نگرش و تمایل، به‌ترتیب دارای بیشترین میزان برازش هستند. بررسی جزئی مؤلفه‌های هر متغیر نیز نشان می‌دهد که در متغیر ارزش ادراک شده به ترتیب مؤلفه‌های تحقق نیازهای مالی مسلمانان، از بین بردن فقر و خدمت به افراد کم‌درآمد جامعه دارای بیشترین میزان برازش هستند. بررسی متغیر هنجارهای ذهنی نشان داد که مؤلفه‌های انتظار اطرافیان، حمایت اطرافیان و تصور اطرافیان به ترتیب دارای بیشترین میزان برازش هستند. بررسی متغیر نگرش نیز نشان داد که در آن به ترتیب مؤلفه‌های عادلانه بودن، سازگاری با شریعت، سودآوری و انعطاف‌پذیری بیشترین میزان برازش را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، بررسی میزان برازش مؤلفه‌های متغیر تمایل نیز نشان داد که عوامل تداوم ارتباط، توصیه به دیگران و حمایت دارای بیشتری بار عاملی هستند. بررسی جزئی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده الگو نیز نشان داد که مؤلفه «تحقق نیازهای مالی مسلمانان» از متغیر «ارزش ادراک شده» دارای بیشترین بار عاملی و مؤلفه «حمایت» از متغیر «تمایل» دارای کمترین میزان برازش و بار عاملی است.

نتیجه کلی این مطالعه که دال بر توجه بیشتر به حسابداری اسلامی است، با مطالعات متعدد انجام‌گرفته در این زمینه مانند حاجیها و شبانی (۱۳۹۱)، گوران‌حیدری و همت‌فر (۱۳۹۴)، دیانتی‌دیلمی و دیگران (۱۳۹۵)، ولایوتها (۲۰۱۴)، سلطان (۲۰۱۵) همسو است که این موضوع دلالت بر تأکید مجدد بر اهمیت حسابداری اسلامی دارد. همچنین، بررسی تطبیقی آن با مطالعه‌های همسو نیز نشان داد که یافته‌های پژوهش با مطالعه سابیرزیانو (۲۰۱۶) همسو است.

انجام این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. برای نمونه در این مطالعه تنها از ابعاد الگوی سایبیرزینانو (۲۰۱۶) استفاده شد و سازه‌های مطالعه براساس ۴ متغیر و ۱۳ مؤلفه قرار داشت.

با توجه به اهمیت موضوع به مدیران، حسابداران و مجامع حرفه‌ای حسابداری پیشنهاد می‌شود که به مقوله حسابداری اسلامی توجه ویژه بیشتری داشته باشند، زیرا امروز جامعه به این موضوع نیازمند است. همچنین، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده به بررسی راه‌کارهای عملی ترویج و اجرایی کردن حسابداری اسلامی بپردازند تا علاوه بر ترویج و گسترش آن، روند استاندارد گذاری و تصویب قانون‌های لازم در این زمینه با سرعت و سهولت بیشتری دنبال شود. به مجامع حرفه‌ای نیز می‌توان پیشنهاد داد که با بررسی پژوهش‌های انجام‌گرفته در این حوزه و ترغیب اعضا جهت فعالیت در این زمینه، نهادینه کردن حسابداری اسلامی کاربردی را در برنامه‌های خود لحاظ نمایند.

یادداشت‌ها

1. Pachivoli
2. Hofstede
3. Gallofr
4. Hameed
5. Sabirziano
6. Adnan & Gaffikin
7. Sultana
8. Velayutha
9. International Financial Reporting Reporting Standards
10. Bassam & Napier
11. Hamid
12. Cronbach's Alpha
13. Statistical Package for the Social Science
14. Google Forms
15. 2nd Order CFA

کتابنامه

پورحیدری، امید (۱۳۸۳). حسابداری اسلامی و حسابداری مرسوم ناسازگار یا مکمل. فصلنامه حسابرس، ۷(۲۶). ۵۵-۶۱.

حاجیها، زهره، و شبانی، حبیب (۱۳۹۱). تفکر خلاق و انتقادی در حسابداری اسلامی. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۲(۵)، ۶۰-۷۵.

دیانتی‌دیلیمی، زهرا؛ منطقی، خسرو؛ و مشهدی، سیده‌پریسا (۱۳۹۵). بررسی ضرورت حسابداری اسلامی؛ از دیدگاه خبرگان دانشگاهی. دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۱(۱)، ۱-۲۴.

عصری، جعفر (۱۳۹۱). اجرای احکام اسلامی؛ محرکی قابل در فرآیند پیاده‌سازی حسابداری اسلامی در ایران. اولین همایش ملی حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.

غلامی‌جمکرانی، رضا. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی حسابداری عقد استصناع در نظام بانکداری ایران و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی. دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، ۷(۲)، ۴۵۳-۴۹۴.

غلامی‌جمکرانی، رضا؛ نیکومرام، هاشم؛ و رهنمای‌رودپشتی، فریدون (۱۳۹۲). ضرورت چارچوب نظری گزارشگری مالی با رویکرد اسلامی از منظر خبرگان حرفه‌ای و دانشگاهی. دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، ۲(۵)، ۳۵-۷۲.

کلماتیان، هدایت‌اله؛ برزگری‌خانقاه، جمال؛ و دهقان‌دهنوی، حسن (۱۳۹۲). ارائه مدل حسابداری متناسب با سبک زندگی اسلامی با استفاده از تکنیک دلفی. همایش ملی نقش سبک زندگی در اقتصاد مقاومتی، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی واحد البرز.

گوران‌حیدری، سیدفرهاد، و همت‌فر، محمود (۱۳۹۴). حسابداری مدیریت اسلامی. فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی. بهار، ۴(۱۳)، ۳۲-۳۹.

محقق‌نیا، محمدجواد، و ناصری، کامران (۱۳۹۲). اخلاق حسابداری با تأکید بر دیدگاه اسلامی، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.

مخلصی، سمیرا؛ کریمیان، نورالسادات؛ عبادی، عباس؛ خوش‌نژاد، فهیمه؛ و دبیری، فاطمه (۱۳۹۵). روان‌سنجی پرسشنامه بی‌اختیاری ادرار در زنان متأهل استان قم در سال ۱۳۹۴. فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۵(۱۰)، ۹۵۵-۹۶۶.

مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ حسینی، سیدعلی؛ و رام‌روز، علیرضا (۱۳۹۵). ارائه مدل حسابداری اسلامی؛ با تأکید بر مبانی فقهی و چالش‌های بنیادی. فصلنامه حسابداری مدیریت، ۹(۲۹)، ۸۹-۱۰۹.

نجفی، ابراهیم (۱۳۹۰). دکترین ملی حسابداری جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۱۴ هجری شمسی. مرکز بررسی‌های دکترینال.
نونهال‌نهر، علی‌اکبر (۱۳۸۸). مبانی اولیه حسابداری اسلامی. ماهنامه حسابدار، ۱۸(۲۱۱)، ۷۰-۷۷.

- Adnan, M. A. (1997). The Shariah, Islamic Banks and Accounting Concepts. *Indonesian Journal of Accounting and Auditing*, 1(1), 47-80.
- Hameed, S. (2000). The Need for Islamic Accounting: Perception of Its Objectives and Characteristics by Malaysia Accountants and Academics, Ph.D. Thesis, University of Dundee.
- Lin, C. J., & Wu, W. W. (2008). A Causal Analytical Method for Group Decision-Making Under Fuzzy Environment. *Expert Systems with Applications*, 34(1), 205-213.
- Maali, B., Casson, P., & Napier, C. (2006). Social Reporting by Islamic Banks. *Abacus*, 42(2), 266-289.
- Omar, J., & Mehboob, ul H. (2016). A Comparison of Islamic and Capitalist Conception of Economic Justice. In *Essential Perspectives in Islamic Economics and Finance* (p. 85).
- Sabirzyanov, R. (2016). Islamic Financial Products and Services Patronizing Behavior in Tatarstan: the role of Perceived Values and Awareness. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 29(1).
- Sulaiman, M. (2001). Testing a Model of Islamic Corporate Financial Reports: Some Experimental Evidence. *International Journal of Economics, Management and Accounting*, 9(2).
- Sultana, N. (2015). Contribution of Islamic Accounting System to the Commercial Organizations" Bangladesh Islamic University
- Velayutham, S. (2014). "Conventional" Accounting vs "Islamic" Accounting: the Debate revisited. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 5(2), 126-141.
- Vinnicombe, T. (2010). AAOIFI Reporting Standards: Measuring Compliance. *Advances in Accounting*, 26(1), 55-65.
- Wu, W. W., & Lee, Y. T. (2007). Developing Global Managers' Competencies Using the Fuzzy Dematel Method. *Expert Systems with Applications*, 32(2), 499-507.